

سید محمد مهدی موسوی



گزارشات

«۳»

پنجساله سفارت ایران

در لندن

شیخ محسن خان مشیرالدوله-۱۲۸۴ تا ۱۲۸۸ ه. ق

دیون شارژ دافر سابق

پس از اینکه محمود خان ناصر الملك وزیرمختار ایران در لندن در سال ۱۲۸۲ - ق به تهران احضار گردید (یا بعنوان تقدیم گزارش به تهران آمد و دیگر مراجعت ننمود) اداره امور سفارت ایران به عهده شخصی موسوم به میرزا محمد علی خان (۱) مستشار یا نایب اول سفارت قرار گرفت و نامبرده بعنوان «شارژ دافر موقتی» در لندن انجام وظیفه می نمود ... حاج شیخ محسن خان وقتی از تبریز عازم محل مأموریت خود در لندن گردید در تقلیس با حسنعلی خان گروسی (امیر نظام) که از سفارت پاریس مراجعت مینمود ملاقات کرد و توسط او از اوضاع سفارت ایران در لندن

۱- متأسفانه عایرغم مراجعه به مآخذی که در دسترس بود و کوششی که برای شناسائی میرزا محمدعلی خان بعمل آمد این شخص شناخته نشد

اطلاعاتی بدست آورد. دائر براینکه میرزا محمد علی خان شارژ دافرایران مبالغی به کسبه و پیشه وران و تجار و صاحب خانه خود و مدرسه که محصلین ایرانی در آنجا تحصیل میکنند و اشخاص متفرقه دیگر مقروض است و بیش از یکسال است که همه روزه با طلبکاران خود امروز و فردا کرده و فعلا هم بتصور اینکه دولت، مطالبات او را تماماً تحویل جانشینش کرده که به لندن برساند به طلبکاران وعده ورود شیخ محسن خان شارژدافر جدید را داده است. وی از تقلیس پس از شنیدن اظهارات حسنعلی خان گروسی گزارش مشروحی بعنوان وزیر خارجه تهیه و ضمن آن تقاضا کرده است که تکلیف او را فوراً و تلگرافاً تعیین نمایند و اضافه میکند « این فقره زیاده از حد مایه تشویش و تفرقه حواس کمترین گردیده و متحیرم بمداز ورود تکلیف فدوی چه خواهد بود ... با این ترتیب کار فدوی دشوار و مراجعت مشارالیه متعذر خواهد بود ... این بنده از خود مکنتی ندارد و در آنجا هم اعتباری نداشته است که بقبول ضمانت کار مشارالیه را صورتی داده و او را روانه نماید. . . . » در گزارشات دوم و سوم خود که قبل از ورود به لندن نوشته هم در این زمینه از وزیر خارجه تقاضای اقدام فوری کرده است. سرانجام در تاریخ ۲۳ جمادی الاول ۱۲۸۴ - ق شیخ محسن خان به لندن میرسد و در اولین گزارش رسمی خویش جریان ملاقات با «لرد استانی» وزیر خارجه انگلیس را شرح داده و سپس احوال میرزا محمد علی خان شارژ دافر سابق و گرفتاری او در چنگک طلبکاران و جریان گفتگو و استمهال چهار ماهه از ایشان را شرح داده و مینویسد :

«مشارالیه قرض زیادی در این جا دارد . بعضی از طلبکاران را که می-توانست چهار ماهه متقاعد کرد که تنخواه بفرستد و بعضی را که نمی توانست بی خبر گذاشته روانه شد ... صورت قروض مشارالیه که بموجب تفصیل ذیل به لحاظ انور عالی خواهد رسید . وضع حالت و اعتبار سفارت را از قرار خورده قرض بقال و علاف و شامع قیاس خواهید فرمود...»

سر نوشت میرزا محمد علی خان و گرفتاری او در چنگک طلبکاران فی الجمله

خود نویسنده را هم نگران کرده و در نامه خویش ضمن استدعای حواله فوری و تلگرافی بدهی میرزا محمدعلی خان درخواست کرده است. مختارچ سفارت و حقوق و مستمری اعضاء آن را مرتباً بوسیله ما کونچی (۱) بفرستند که بتواند با پرداخت حساب مردم خاطرۀ آبروریزی های زمان میرزا محمدعلی خان را هم جبران کند. متأسفانه تا آخرین گزارش حاج شیخ محسن خان که چهار سال و چند ماه بعد برای وزیر خارجه فرستاده و در این دفتر ثبت است این تقاضا همچنان تکرار شده و نه تنها همواره حقوق و مستمری سفارت مدت دو سال عقب می افتاده و طلب کاران و وزیر مختار و اعضاء سفارت را در فشار می گذاشته اند. بلکه مسئله دیون میرزا محمدعلی خان هم بهمان صورت باقی مانده و تقریباً نصف تمام گزارشات شیخ محسن خان صرف یادآوری حقوق و مستمری و تشریح در دسرهایی که از دست طلبکاران برایش فراهم شده است و مراجعه و شکایت ایشان به پارلمان و وزارت خارجه و دیگر مراجع دولتی انگلیس گردیده و غالباً عباراتی از این قبیل

« دو روز قبل نشان وساعت و شمیر خود را بسا بعضی اسباب دیگر الجاء برهن فرستاده یکصد لیره قرض کرده به قصاب و بقال که دیگر چیزی نمی دادند دادم

در باب قروض مقرب الخاقان محمد علی خان و عالیجناب میرزا علی اکبر همه طلبکاران مشارالیه مامتفاً رفته به رئیس پارلمان عارض شده اند. معزی ایبه هم قرار داده است که در افتتاح پارلمنت مطلب را عنوان کرده از جناب لاردر کلاردون سؤال و مطالبه بکنند ... صاحب خانه که یکی از طلبکاران محمد علی خان است چنانکه سابقاً عرض کرده بودم یکی از بازیگرهای مشهور تماشاخانه لندن است .. او رفته در پیش مستر آلیسون (وزیر مختار

(۱) - ما کونچی . از پارسیان مقیم هندوستان بوده که بکار صرافیه و تجارت اشتغال داشته و بعداً شیخ محسن خان مکرر از دولت و وزارت خارجه درخواست می کند که نامبرده را به سمت قونسول افتخاری در بمبئی منصوب نمایند

انگلیس در تهران) بسیار آه و ناله و فضاچی کرده بود و از قراریکه مسموع شد گویا معزی الیه طلب اورا از خود داده است که دردار الخلافه مطالبه نماید، (س ۱۷۱ دفتر گزارشات - مورخ ۱۶ جمادی الثانی ۱۲۸۶ - ق ...). .

در گزارش دیگر می نویسد: «بسمبارك بندگان خدایگانی قسم است که این اوقات چنان کار برفدوی مشکل شده است که نزدیک است قصد جان خود کرده از این خفت و ذلت آسوده شوم ...» (س ۱۷۳ - مورخ ۲۳ جمادی الثانی ۱۲۸۶ ق) ایضا گزارش دیگر - «نهایت پریشانی و اعلی درجه استیصال این روزها حالت عرض مطلب هم در کمترین باقی نگذاشته بسمبارك بندگان خدایگانی و بائمه اطهار سلام اله علیهم قسم است از کثرت پریشانی و هجوم خیالات و غصه سوء مزاج عارض شده از همه کار بازمانده ام و اکنون در این خیالم که اگر در این هفته از طرف اعلیحضرت ملکه برای ابلاغ نامه همایون بار حضور داده شود مخارج رفتن و آمدن و انعام و تعارف کالسکه چی چگونه فراهم خواهد شد ...» (س ۲۱۷ - ۲۱۸ مورخ ۱۶ ذیقعد ۱۲۸۶ - ق).

در گزارش دیگری مینویسد: «بسمبارك بندگان عالی قسم است که حالت معطلی و پریشانی این سفارت این اوقات از استیصال گذشته بمقام اضطرار رسیده است ...»

آنچه از اسباب در سفارت بود حتی ساعت و انگشتر همه بفروش و گرو رفته است. راه استقراضی بکلی مسدود در میان محله و کسبه حالت سفارت ضرب المثل شده و اهل سفارت انگشت نما ... جمیع اصناف بیکدیگر خیر میکنند که با سفارت ایران معامله نکنند.

این نوع خفت سفارت و این عسرت و پریشانی در حالیکه باید حفظ حالت نمود در این مملکت که دست از همه جا کوتاه است کمترین را بکلی مایوس کرده و از کار انداخته است ... اگر کسی سکی در خانه خود داشته باشد استخوان یومیه اورا فراموش نمیکند و میرساند. سفارت ناموس و صورت دولت است چگونه اولیای دولت راضی میشوند که در انتظار جمیع ملل و در میان همه دول سفارت علیه باین مرتبه پریشان و مستأصل مانده و دچار انواع ذلت

و خفت باشد ... تلافی و تدارك نقص و كسری كه برای دولت از این حالت سفارت در این عملك特 در انظار دول حاصل میشود در پنجاه سال ممكن نخواهد شد ، (ص ۳۲۴-۳۱۵ مورخ ۲۷ رمضان ۱۲۸۷-ق)

باز در عین ارزش دیگر نوشته است - « سابق با استقراض كردن ، طلب كسیه را كه طاقت و صبر ندارند دیر و زود میرسانیم ، حالا يكسال بیشتر است كه راه استقراض هم بكلی مسدود شده احدی دیناری نمیدهد. سهل است مثل مردمان طاعونی از سفارت فرار میکنند ، هر چه از علاف و بقال سایر كسیه آورده ایم مانده و كرایه خانه و خرج كالسكه داده نشده ...

چگونه میتوانم يكسال ونیم بدون مقرری امر سفارت را از پیش بیرم و در میان مأمورین دول سایره و در دربار دولت انگلیس اظهار حیات نمایم .. علم الله آنچه خورده ریز داشتم حتی زنجیر ساعت بگرو رفت و در همه سفارت يك تومانی پول یافت نمیشود . از موسیو مارتین خیاط وجه قلیلی قرض کرده تا فرافی بخدمت جناب مستطاب عالی عرض کردم . جواب رسید كه هزار تومان فرستاده شد .

اکنون دوماه است كه تلغراف مزبور را وسیله معاش کرده ایم دیگر نمایندگاری نمانده كه نسخه از آن در دست نداشته باشد و تا حال اثری از آن هزار تومان هم ظاهر نشده ... اگر با چاپاریكه باید در این دوروز وارد شود برات نرسد چون راه دیگر نمانده ناچار باید از وزارت امور خارجه دولت انگلیس استقراض و استمداد نمایم ... نمی دانم حاصل وجود این نوع سفارت برای دولت غیر از بدنامی و اثبات بی اعتباری چیست؟ ... » (ص ۳۴۷-۳۴۸ مورخ ۱۰ ربیع الاول ۱۲۸۸ ق) .

در یکی دیگر از گزارشات نوشته است - « پول ششماهه گاز و روشنائی سفارت داده نشده بود و مكرر مطالبه کرده و دفع الوقت دیده بودند از اداره كومپانی گاز عمه آورده درملاء عام در مقابل سفارت كوچه را كنده راه روشنائی را بریدند ... اجزای سفارت دولت علیه بنان شب محتاجند و از مقرری يكسال و چهار ماه سیصد لیره كه عبارت از هفتصد و پنجاه تومان

باشد رسیده است ... برای کمترین از مشاهده این اسباب افتضاح و خفت حالت مرگ روی داده نمیدانم غیرت و انصاف جناب مستطاب عالی چگونه بهتک حرمت سفارت دولت علیه اسلام راضی می شود . . .

(ص ۳۵۱ مورخ ۷ ربیع الثانی ۱۲۸۸ - ق)

دریکسی از آخرین گزارشات دفتر مزبور نوشته است : « چندی قبل تلگرافی عرض کردم که اگر بواسطه تلگراف تنخواه به کمترین نرسد بحت قوت لایموت از وزارت خارجه این دولت باید استقراض و استمداد کنم . جواب تلگرافی از جانب جناب مستطاب عالی رسید که چهارصد تومان بحاجی میر تقی داده شده است برای شما بفرستد

در عوض ده هزار تومان طلب سفارت بتوسط تلگراف اعلام میفرمائید که چهارصد تومان به حاجی میر تقی داده شد دو تلگرام جناب مستطاب عالی بفاصله یک ماه در باب همین چهارصد تومان زیارت شد و هنوز اثری از چهارصد تومان بظهور نیبوسته

(ص ۳۵۳-۳۵۴ مورخ ۶ جمادی اول ۱۲۸۸ - ق)

حتی یکبار که شیخ محسن خان با تقدیم چندین نامه و تلگراف و هزار اصرار و التماس و قسم و آیه پادشاه و وزارتخانه را راضی نکرد هنگام سفر ناصرالدین شاه برای زیارت اعتبار مقدسه به بین النهرین (سال ۱۲۸۷ ق) شرفیاب حضور باهر انور شود . طلبکاران سفارت از قضیه مطلع شده و بخیال اینکه او قصد فرار در سفارتخانه را محصور کردند (و بنا بقولی بامداد خله ما مورین انتظامی وزارت خارجه انگلیس با اخذ تعهد عدم خروج از لندن قبل از واریز طلب طلبکاران از وزیر مختار ایران - موسوی) مانع مسافرت او شدند و بار دیگر پس از آنکه میرزا حسین خان سپهسالار در پایان سفر ناصرالدین شاه به اعتبار مقدسه بدستور شاه به تهران آمد و مسئول وزارتخانه های عدلیه تجارت جنگ گردید (۱۲۷۸ - ق) روزنامه تایمز خبر داد که حاج شیخ محسن خان وزیر مختار ایران در لندن بجای میرزا حسین خان به وزیر مختاری ایران در اسلامبول تعیین

گردید ، باز هم بستانکاران در سفارت ایران اجتماع کردند و به جناب وزیر مختار اعلام کردند تا تمامی طلب آنها را ندهد نمیگذارند از لندن خارج شود . (صفحات ۲۲۴ تا ۳۲۶ گزارش مورخ ۱۵ ذی قعدة ۱۲۸۷ - ق)

آرشیو سفارتخانه .

حاج شیخ محسن خان در اوایل ورود به لندن متوجه میشود که محمود خان ناصرالملک و میرزا محمدعلی خان هر یک هنگام حرکت از لندن تمام مکاتبات و سوابق گزارشات و آرشیو سفارتخانه را همراه خود برده اند او در این مورد مکاتباتی با وزارت خارجه نموده و از جمله می نویسد :

« جناب ناصرالملک سواد تحریرات خود را با جمیع نوشتجات وزارت جلیله همراه خود از لندن برده بودند معرب الخاقان میرزا محمدعلی خان هم آنچه در مدت اقامت خود رسیده بودیا خود عرض کرده بود . همه را با خود برده و هر چه فدوی اصرار کردم که دفتر سفارت بساید در سفارت بماند قبول نکرد . چنانکه از نوشتجاتی که از اول برقرار شدن سفارت در لندن تا حال با وزارت خارجه رد و بدل شده هیچ صورتی در سفارت نیست بطوری که اگر امری اتفاق افتد که مستلزم رجوع بر نوشتجات و استحضار باشد مایه معطلی و تضییع وقت خواهد شد بالجمله کمترین بنده بکلی از مطالب و مسائل متعلقه باین دولت بی استحضار و بیگانه مانده ام استدعا دارم مقرر فرمائید سواد نوشتجات دایره بر مطالب مهمه را از سئوال و جواب از دفتر وزارت جلیله استخراج و برای کمترین بنده بفرستند که در مقام ضرورت مایه معطلی و افسوس نشود . » (ص ۱۱ - گزارش ۳ رجب ۱۲۸۴ - ق)

این مکاتبه نیز چند بار تکرار میشود تا سرانجام نماینده ایران در لندن مانند سایر مسائل عاجز و خسته شده و آنها را بدست فراموشی میسپارد

مأموریت خرید اسلحه : یکی از مأموریتهای خنده آوری که از تهران به شیخ محسن خان داده شده . خرید اسلحه (تفنگ) برای افراد

فنون ظفر نمون است. دولت دستور میدهد که نامبرده ترتیب خرید پنجه از تفنگ دولول را با یکی از کمپانیها یا کارخانجات معتبر بدهد و قرار داد لازم را منعقد سازد.

شیخ محسن خان که خود ضمناً سابقه خدمات نظامی داشته و در این تاریخ دارای درجه سر تیپ اول بوده لاقلاً اینقدر می فهمید که تفنگ دولول مخصوص شکار است و با تفنگ نظامی تفاوت بسیار دارد.

او در چند گزارش به وزارت خارجه می نویسد که تفنگ دولول . لاقلاً صدی چهل گرانتر از تفنگ های نظامی است و بعلاوه از نظر ساختمان بسیار ظریف و شکننده می باشد و در مشق نظام و سواری اگر از دست سرباز بیفتد یا با جایی برخورد کند می شکند و برد و قدرت آن نیز از تفنگهای نظامی کمتر است

لیکن علیرغم توضیحات مستدلی که نامبرده بدولت می دهد . جواب میدهد . « چون اراده مبارک ملوکانه روخافدها بر خرید تفنگ دولول برای سربازان تعلق دارد و این قسم تفنگ مورد پسند قرار گرفته بهمان ترتیب که قبلاً تعلیم داده شده است نسبت بخرید پنجه از تفنگ دولول اقدام نمائید» شیخ محسن خان وقتی می بیند که دولت و مسئولان مملکتی مطلقاً گوششان به مصلحت اندیشی و توضیحات معقول او بدهکار نیست و بعلاوه چون شخصاً معتقد بخرید تفنگ دولول نبوده و انجام معامله را خیانتی به مملکت میدانسته است . این مأموریت را با زرنگی بدهد میرزا یوسف خان مستشار الدوله وزیر مختار ایران در پاریس محول نموده و به وزارت خارجه مینویسد :

« در باب تفنگهای ایتماعی که فرمایش شده بود که تفنگ باید دولوله نظامی باشد مقرب الخاقان شازرد افر پاریس را از مراتب مطلع نمودم . البته حسب المقرر رفتار خواهد نمود . چون خدمت مزبور بعهده مقرب الخاقان مشارالیه محول است فدوی تکلیفی جز ابلاغ حکم ندارد ولی بمقتضای چاکری آنچه در این باب موافق صرفه و صلاح دولت در بکار بردن اسلحه باشد بمشارالیه

خواهم نوشت. انشاءاله ایشان نیز بطوریکه منظور نظر جناب جلالتماب عالی است سمت انجام خواهد داد.

(ص ۴۴ - ۴۵ مورخ ذیقعدہ ۱۲۸۴ ق -- + ص ۱۶۶ غره جمادی الثانی ۱۲۸۶ ق -- + ص ۲۵۶ مورخ ۱۶ ربیع الاول ۱۲۸۷ ق) **بحرین و جزایر - خلیج فارس و تنگه هرمز :**

گفتگوی درباره بحرین و حقوق ایران در خلیج فارس و شط العرب و جزایر خلیج و اهمیت تنگه هرمز از مهمترین و مفصلترین موضوعی است که در بسیاری از گزارشات منعکس است که نمونه‌هایی از نامه‌هایی که در این زمینه نوشته شده است ذیلا بنظر خواهد رسید :

«مرقوم فرموده بودید که رأی مبارک اعلیحضرت عمایون شاهنشاهی روحنا فداء در خلیج فارس به تهیه اوضاع بحریه قرار گرفته مقرر فرمودند که بتوسط دولت انگلیس چند نفر وند کشتی جنگی ایتیاغ شود و معلم و صاحب منصب از برای اینکار از دولت مزبوره خواسته اند. و مقرر داشته‌اند که کمترین خواهش کنند و در احکام لازمه بحکومت هندوستان فرستاده شود که در حفظ تعالم و آرامی خلیج فارس و بندرات و جزایر مراقبت نمایند که از جانب امام مسقط و اعراب آن نواحی بی اعتدالی بظهور نرسد، با جناب لرد استنلی ملاقات کرده و در هر دو فقره بعد از گفتگوهای بسیار قراردادند که... الخ، مطالعات فرنگی»

در قسمت دیگر همین گزارش همینویسد : « عحالتاً باعتبار فدوی بهتر آن است تنخواهی را که برای ایتیاغ کشتی منظور فرموده اند صرف ترتیب بندرولنگر گاه و لوازم آن نمایند، همین که جای کشتی آماده شد آوردن کشتی کمال سهولت را دارد و در این بین معلم و صاحب منصب نیز چنانکه از دولت انگلیس خواهش کرده‌اند اجیر کرده بتعلیم صاحب منصب و عملجات و ترتیب بندر و کارخانه پردازند. تا همه یکباره آماده شود و بنای کار بر وفق قاعده گذاشته شده منتج بتایج مستحسنه گردد. در میان بنادر خلیج فارس بندری که لایق این کار است و موقع آن به پولتیک و تجارت مساعدترین نقاط آن سامان است محمره است که دروازه عراقین و خاک عثمانی است و هم بجهت

محفوظ بودن برای لشکر گاه بهتر است . محرمه بالنسبه بخرستان و خوزستان و بصره و بغداد و ملک عثمانی مثل اسلامبول است و بالنسبه بقرنکستان ... پس از آنکه بندر جمره ساخته شد آنوقت انشاء الله باستحکام تنگه هرمز و بندرعباس که دروازه حقیقی است پرداخته خواهد شد ...

(ص ۶۰ تا ۶۳ مورخ ۱۶ ربیع الثانی ۱۲۸۵ - ق)

در گزارش دیگری نوشته است :

در باب مقدمه بندر عباس و جزایر و منافات که در اجاره امام مسقط بود و سابقاً مرقوم فرموده بودید که بواسطه عدم کامل اجراء شروط قرارنامه مزبوره از جانب اولیای دولت علیه اجاره فسخ و بحکومت فارس حکم فرستاده شده است که بندر و مضافات را ضبط و اداره نماید دوازده روز قبل در یکی از روزنامه های لندن که منشر اخبار هندوستان است . نوشته بودند که بتوسط قونسول انگلیس مقیم بندر بوشهر مجدداً بندرعباس و مضافات ارجانب دولت علیه بامام مسقط واگذار شده است اگر خبر مزبور صحیح باشد معلوم است که اولیای دولت علیه در قرارثانوی مسلحتی منظور فرموده اند والا در اینکه مداخله امام مسقط در جزایر خلیج و بندرات مزبوره بهر اسمی که باشد بالمآل از برای دولت مایه زحمت و اشتغال خواهد بود . حریفی نیست و فرصتی بهتر از این برای رفع آن محذور بدست نمی آید . که دولت انگلیس قولا و فعلا دولت علیه را تصدیق میکرد ... دول فرنگستان در دریای هند و چین برای تملک بندر و جزیره کوچکی کرور ها خرج می کنند و تدبیرها بکار می برند و همچنین دول ینگی دنیا (امریکا) در دریای فرنگستان ... منافع بنادر و جزایر دولت علیه را چرا باید امام مسقط ببرد؟؟ که در آخر هم قطع علاقه او و استرداد آنها مایه هزار گفتگو و اشتغال حواس اولیای دولت علیه گردد؟؟ چون اجازه فرموده اید که در عالم دولت خواهی آنچه بذهن قاصر برسد عرض کند . لهذا جسارت شد ...

(ص ۷۶-۷۷ مورخ ۲۹ جمادی الاول ۱۲۸۵ - ق)